



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده اقتصاد

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

عنوان

بررسی اثرات کاهش یارانه کالاهای اساسی بر شاخص هزینه زندگی گروه‌های شغلی

(با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی)

استاد راهنما

خانم دکتر سهیلا پروین

استاد مشاور

آقای دکتر علی اصغر بانویی

نگارش

زهرا فرزانه

شهریور ماه ۱۳۸۹

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	مقدمه

فصل اول: کلیات

۴	۱-۱- طرح موضوع و اهمیت آن
۹	۱-۲- سئوال‌های تحقیق
۹	۱-۳- فرضیه تحقیق
۹	۱-۴- اهداف تحقیق
۹	۱-۵- اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۰	۱-۶- پایه‌های آماری تحقیق
۱۰	۱-۷- مفاهیم و اصطلاحات
۱۱	۱-۸- روش شناسی تحقیق

فصل دوم: مبانی نظری

۱۴	۲-۱- مقدمه
۱۴	۲-۲- مبانی نظری توزیع درآمد
۱۵	۲-۲-۱- مروری بر ادبیات رشد و توزیع درآمد
۱۸	۲-۲-۲- آثار و عواقب نابرابری
۱۹	۲-۳- یارانه ابزاری برای تعدیل نابرابری
۲۱	۲-۳-۱- تعریف یارانه
۲۲	۲-۳-۲- تاریخچه یارانه در جهان
۲۳	۲-۳-۳- انواع یارانه

۲۵.....	۲-۳-۴- یارانه کالاهای اساسی.....
۲۷.....	۲-۳-۵- تاریخچه یارانه در ایران.....
۲۸.....	۲-۳-۶- روند پرداخت یارانه کالاهای اساسی در ایران.....
۳۷.....	۲-۳-۷- عمده‌ترین دلایل مدافعان حذف یا کاهش یارانه‌ها.....
۳۸.....	۲-۳-۸- دلایل مخالفین حذف یا کاهش یارانه‌ها.....
۳۹.....	۲-۳-۹- ضرورت ادامه پرداخت یارانه.....
۴۰.....	۲-۳-۱۰- ضرورت سیاست‌های جبرانی.....
۴۰.....	۲-۳-۱۱- هدفمندی یارانه‌ها.....
۴۱.....	۲-۳-۱۲- شیوه‌های هدفمندی یارانه‌ها.....
۴۳.....	۲-۳-۱۳- روش‌های پرداخت یارانه.....
۴۳.....	۲-۳-۱۴- برخی نکات قابل توجه در زمینه حذف یارانه.....
۴۵.....	۲-۴- مشاهدات کلی فصل.....

فصل سوم: مروری بر ادبیات تحقیق

۴۷.....	۳-۱- مقدمه.....
۴۷.....	۳-۲- مطالعات تجربی انجام گرفته در خارج.....
۵۱.....	۳-۳- مطالعات تجربی انجام گرفته در داخل.....
۵۹.....	۳-۴- مشاهدات کلی فصل.....

فصل ۴: روش شناسی

۶۱.....	۴-۱- مقدمه.....
۶۱.....	۴-۲- روش شناسی ماتریس حسابداری اجتماعی.....
۶۲.....	۴-۲-۱- ساختار یک ماتریس حسابداری اجتماعی متعارف.....
۶۵.....	۴-۲-۲- تعیین و شناسایی حساب‌های درونزا و برونزا در ماتریس حسابداری اجتماعی.....

- ۳-۲-۴- رویکردهای ماتریس حسابداری اجتماعی.....۷۰
- ۱-۳-۲-۴- رویکرد تقاضا یا رویکرد درآمد.....۷۰
- ۲-۳-۲-۴- رویکرد هزینه و یا قیمت.....۷۱
- ۳-۴- معیارهای طبقه‌بندی گروه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها.....۷۴
- ۴-۴- طبقه‌بندی مشاغل ایران.....۷۵
- ۵-۴- طبقه‌بندی خانوارها بر مبنای گروه‌های شغلی در ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰.....۷۷
- ۶-۴- مشاهدات کلی فصل.....۸۰

فصل ۵: تحلیل نتایج

- ۱-۵- مقدمه.....۸۲
- ۲-۵- حذف یارانه کالاهای اساسی در قالب سناریوهای مختلف.....۸۲
- ۳-۵- نتایج حاصل از سناریوها و تحلیل آن‌ها.....۸۵
- ۴-۵- آثار توزیعی حذف یارانه در بین مناطق (شهری و روستایی).....۸۷
- ۵-۵- آثار توزیعی حذف یارانه در میان گروه‌های شغلی.....۸۷
- ۶-۵- شناسایی گروه‌های هدف.....۸۹
- ۷-۵- مشاهدات کلی فصل.....۹۲

فصل ششم: جمع بندی

- ۱-۶- جمع بندی.....۹۴
- ۲-۶- پیشنهادات.....۹۷

ضمیمه

- طبقه‌بندی گروه‌های شغلی بر مبنای کدهای یک رقمی دو رقمی و سه رقمی.....۹۸

- منابع.....۱۰۶

فهرست جداول و نمودارها

عنوان	صفحه
جدول ۲-۱: نسبت یارانه به بودجه دولت، یارانه‌های پرداختی و یارانه‌های سرانه به قیمت جاری و ثابت ۲۹	۲۹
جدول ۲-۲: یارانه پرداختی بابت کالاهای اساسی طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۵۶..... ۳۳	۳۳
جدول ۲-۳: یارانه کالاهای اساسی و گندم به قیمت ثابت و جاری ۳۴	۳۴
جدول ۲-۴: یارانه کود شیمیایی به قیمت ثابت و جاری ۳۶	۳۶
جدول ۴-۱: ساختار ماتریس حسابداری اجتماعی کلان در قالب پنج حساب..... ۶۲	۶۲
جدول ۴-۲: ماتریس حسابداری اجتماعی کلان بر حسب حساب‌های درونزا و برونزا ۶۶	۶۶
جدول ۴-۳: ساختار کلی یک ماتریس حسابداری اجتماعی بر حسب حساب‌های درونزا و برونزا ۶۸	۶۸
جدول ۴-۴: شکل ماتریسی حساب‌های درونزا و برونزای ماتریس حسابداری اجتماعی ۶۹	۶۹
جدول ۵-۱: افزایش شاخص هزینه زندگی خانوارها بر حسب گروه‌های شغلی و به تفکیک شهری و روستایی در هریک از سناریوها..... ۸۶	۸۶
جدول ۵-۲: میانگین افزایش شاخص هزینه زندگی گروه‌های شغلی در هریک از سناریوها برای خانوارهای شهری و روستایی ۸۷	۸۷
جدول ۵-۳: افزایش شاخص هزینه زندگی گروه‌های شغلی به ترتیب افزایش کاهش رفاه برای خانوارهای شهری و روستایی ۸۸	۸۸
نمودار ۲-۱: روند یارانه‌های پرداختی از سوی سازمان حمایت به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ ۳۰	۳۰
نمودار ۲-۲: نسبت یارانه‌های پرداختی از سوی سازمان حمایت به بودجه (مخارج) دولت ۳۱	۳۱
نمودار ۲-۳: یارانه سرانه به قیمت ثابت ۳۲	۳۲
نمودار ۲-۴: روند پرداخت یارانه کالاهای اساسی و گندم به قیمت ثابت ۳۵	۳۵
نمودار ۲-۵: روند پرداخت یارانه کود شیمیایی ۳۵	۳۵

A Study of the Impact of the Subsidies Reduction on Basic Goods on the Cost of Living Index of Occupational Groups (Base on SAM)

Abstract:

Subsidies payment system reform in Iran and adverse effects of subsidies on economy and imposing of high costs on government budget is on the government agenda. But performance of reducing or eliminating policy of subsidies has inflationary impacts on prices and cost of living of households. This study examines the impact of subsidies reduction of basic goods on the cost of living of household groups by social accounting matrix. Since the classification based on income deciles is not appropriate for identification of target groups, we use the classification of households in terms of occupational groups. The results achieved by the elimination of basic goods subsidy show in rural and urban households, the minimum rising of cost of living index (the lowest welfare loss) with an average 2.9 and 3.4 percent increasing, is respectively concerned to numbers 1 and 2 of occupational groups, namely: legislators, senior officials and managers and professionals and the maximum rising of cost of living index (highest welfare loss) with an average 6.6 and 5.6 and 5.18 percent increasing, is respectively concerned to numbers 9 and 10 and 6 of occupational groups, namely: elementary occupations, non-working groups and skilled agricultural and fishery workers. Distributional effects of subsidy elimination in rural and urban shows the average of cost of living index increasing of occupational groups in each scenario among rural households is more than urban households. About identifying target groups it is resulted if necessary data of household budget be completed and occupations three-digit codes which present a more concordant classification of occupations could be utilize in households classification then classification of households based on occupational groups, could be operational useful for identification of target groups.

چکیده:

اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها در کشور، با توجه به آثار سوء یارانه‌ها بر اقتصاد و تحمیل هزینه‌های سنگین بر بودجه دولت در دستور کار دولت قرار گرفته است. اما اجرای سیاست کاهش یا حذف یارانه‌ها دارای آثار تورمی بر قیمت‌ها و هزینه زندگی خانوارها می‌باشد. در این راستا مطالعه حاضر با استفاده از روش ماتریس حسابداری اجتماعی به بررسی اثرات کاهش یارانه کالاهای اساسی بر شاخص هزینه زندگی خانوارها می‌پردازد. با توجه به اینکه دهک‌های درآمدی در زمینه شناسایی گروه‌های هدف چندان سودمند نمی‌باشد، طبقه‌بندی خانوارها در ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ بر مبنای گروه‌های شغلی انجام گرفته است. نتایج حاصل از حذف یارانه کالاهای اساسی نشان می‌دهد در میان خانوارهای شهری و روستایی، کمترین افزایش شاخص هزینه زندگی (کمترین کاهش رفاه) با میانگین $2/9$ و $3/4$ درصد افزایش به ترتیب به گروه‌های شغلی ۱ و ۲، یعنی قانونگذاران، مقامان عالیرتبه و مدیران و متخصصان علمی و فنی و بیشترین افزایش شاخص هزینه زندگی (بیشترین کاهش رفاه) با میانگین $6/6$ و $5/6$ و $5/18$ درصد افزایش به ترتیب به گروه‌های شغلی ۹، ۱۰ و ۶ یعنی کارگران ساده، گروه غیرشاغل و کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری مربوط می‌شود. آثار توزیعی حذف یارانه در بین مناطق (شهری و روستایی) نشان می‌دهد، میانگین افزایش شاخص هزینه زندگی گروه‌های شغلی در هر یک از سناریوها برای خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری می‌باشد. در زمینه شناسایی گروه‌های هدف بیان می‌شود که اگر اطلاعات لازم در زمینه بودجه خانوار تکمیل شود و بتوان از کدهای سه رقمی مشاغل که طبقه‌بندی یک‌دست‌تری از مشاغل ارائه می‌دهند در طبقه‌بندی خانوارها استفاده نمود، آنگاه طبقه‌بندی خانوارها بر مبنای گروه‌های شغلی می‌تواند به‌طور عملیاتی در زمینه شناسایی گروه‌های هدف سودمند باشد.

مقدمه

پرداخت یارانه به برخی کالاهای اساسی و ضروری به منظور حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، توزیع عادلانه‌تر درآمد و تثبیت قیمت‌ها، در دستور کار دولت قرار دارد. در عین حال چون پرداخت آن به صورت عام و غیرهدفمند می‌باشد، منجر به هدر رفتن بودجه دولت و ایجاد ناکارایی در تولید می‌شود. از طرفی با حذف یارانه و آزادسازی قیمت کالاهای اساسی، با توجه به ضروری بودن و کم‌کشش بودن تقاضا در مقابل تغییر قیمت‌ها، افزایش قابل ملاحظه‌ای در قیمت این کالاها به وجود خواهد آمد و کاهش رفاه گروه‌های کم‌درآمد به عنوان یک مسئله جدی مطرح خواهد بود. بنابراین یکی از چالش‌های اساسی در خصوص کاهش یارانه‌ها افزایش هزینه زندگی برخی از گروه‌ها می‌باشد.

بنابراین اگر قادر باشیم گروه‌های فقیر را شناسایی نماییم و نیز میزان تاثیر کاهش یارانه‌ها بر هزینه زندگی این گروه‌ها را محاسبه نماییم، آنگاه می‌توانیم با برقراری یک سیستم حمایتی و جبرانی کارا به این گروه‌ها، آثار سوء حذف یارانه بر رفاه گروه‌های کم‌درآمد را تا حد ممکن خنثی نماییم. در راستای رسیدن به این هدف در این تحقیق اثرات کاهش یارانه کالاهای اساسی بر شاخص هزینه زندگی خانوارها، با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و با توجه به اینکه دهک‌های درآمدی در زمینه شناسایی گروه‌های هدف چندان سودمند نمی‌باشد، طبقه‌بندی خانوارها در ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ بر حسب گروه‌های شغلی انجام خواهد گرفت.

در این راستا مطالب تحقیق حاضر در ۶ فصل سازماندهی شده است. در فصل اول به بیان کلیات تحقیق، فصل دوم به بیان مبانی نظری توزیع درآمد و یارانه و در فصل سوم مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور پرداخته می‌شود. فصل چهارم روش شناسی ماتریس حسابداری اجتماعی و نحوه طبقه‌بندی خانوارها بر مبنای گروه‌های شغلی را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل پنجم تحلیل نتایج و فصل ششم جمع بندی تحقیق را در بر دارد.

فصل اول:

کلمات

۱-۱- طرح موضوع و اهمیت آن

پرداخت یارانه به برخی کالاهای اساسی و ضروری یکی از سیاست‌های اقتصادی رایج در کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای توسعه یافته است. اجرای صحیح این سیاست تامین کننده اهدافی مانند حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، توزیع عادلانه‌تر درآمد و تثبیت قیمت‌ها می باشد. در مقابل اجرای نادرست و غیرهدفمند این سیاست منجر به هدر رفتن منابع و ایجاد ناکارایی در تولید خواهد شد.^۱

توزیع مناسب درآمد یکی از اهداف مهم دولت‌ها است، همچنین از اساسی‌ترین دیدگاه‌های هر نظام اقتصادی چگونگی نگرش به مالکیت می باشد. عدالت اجتماعی علاوه بر انسانی و آرمانی بودن آن، یکی از اهداف مهم سیاسی برای دولت‌ها به شمار می‌رود. زیرا شکاف عمیق درآمدی که موجب گسترش فقر می‌گردد، در بلندمدت سبب ایجاد تنش‌های سیاسی می‌شود و گاهی نیز منجر به بروز بحران‌ها و به خطر افتادن جدی امنیت سرمایه‌ها و ثروت‌های یک کشور می‌شود. به همین دلیل حتی در نظام‌های مبتنی بر بازار که اصل پذیرش مالکیت خصوصی را موتور محرکه و عامل شکوفایی اقتصاد سرمایه‌داری می‌دانند، توزیع مناسب درآمد یکی از اهداف مهم دولت‌ها به شمار می‌رود.^۲

در کشورهای در حال توسعه وجود توزیع نامتناسب درآمدها سبب متراکم شدن امکانات و ثروت‌های جامعه در ۱۰ تا ۲۰ درصد از گروه‌های بالای درآمدی شده و علاوه بر این، پایین بودن سطح درآمد سرانه ملی موجب شده تا با افزایش تورم، درآمد حقیقی گروه بزرگی از جامعه به شدت افت نماید و گاهی توانایی تامین حداقل معیشت را نیز از دست بدهد.

از این رو دولت‌ها معمولاً تامین حداقل معیشت را در دستورالعمل کار خود قرار می‌دهند. در این راستا یارانه می‌تواند نقش موثری در دسترسی به حداقل معیشت و توزیع مجدد درآمدها داشته باشد. با حذف یارانه و آزادسازی قیمت کالاهای اساسی، اگر دولت هیچگونه کنترل و یا حمایتی از بخش تولید کالاهای اساسی نداشته باشد، با توجه به ضروری بودن و کم‌کش بودن تقاضای کالاهای اساسی در مقابل تغییر قیمت‌ها، افزایش قابل ملاحظه‌ای در قیمت این کالاها وجود خواهد

۱- خلیل حیدری و دیگران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵

۲- عباس کلانتری و عباس رحیمی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۵

داشت و کاهش رفاه گروه‌های کم‌درآمد به عنوان یک مسئله جدی مطرح خواهد بود. بنابراین یکی از چالش‌های اساسی در خصوص کاهش یارانه‌ها افزایش هزینه زندگی برخی از گروه‌ها می‌باشد.

در مقابل عمده‌ترین دلایل مدافعان حذف یا کاهش یارانه‌ها عبارتند از: "۱- عدم هدفمندی یارانه‌ها، به این معنی که پرداخت یارانه به طور عمومی موجب می‌شود که گروه‌های بالای درآمدی بیشتر از گروه‌های پایین درآمدی از یارانه‌ها بهره‌مند شوند. ۲- استدلال می‌شود که قیمت پایین کالاهای یارانه‌ای منجر به مصرف بیش از حد این کالاها می‌شود. ۳- یارانه‌ها بار مالی سنگینی بر بودجه دولت تحمیل می‌کنند که خود منجر به کسری بودجه و تورم می‌شود." ۴- در شرایطی که دولت قیمت‌ها را کنترل و برای بخشی از کالاها یارانه پرداخت می‌کند، انحراف از سرمایه‌گذاری‌های مولد افزایش می‌یابد. ۵- اختلال در تولید کالاهای مشمول یارانه به خاطر پایین نگه داشتن قیمت آن‌ها.

با توجه به موارد ذکر شده یارانه‌ها دارای آثار سوء بر روند تولید خواهند بود. بر این اساس برای جلوگیری از اختلال در نظام تولید، دولت مجبور به کاهش یارانه و اتخاذ سیاست‌هایی برای افزایش هدفمندی آن شده است که یکی از راه‌های کاهش یارانه‌ها افزایش قیمت‌ها می‌باشد. اما افزایش قیمت کالاهای یارانه‌ای دارای آثار و تبعات تورمی بوده و به ویژه در مورد کالاهای اساسی به دلیل بهره‌مندی اقشار کم‌درآمد، افزایش آن با احتیاط صورت می‌گیرد.

بنابراین از یک سو با توجه به نقش یارانه‌ها در توزیع درآمد و لزوم تامین حداقل نیازهای ضروری گروه‌های کم‌درآمد، سیاستگذاران برای حذف یارانه‌ها با مشکل جدی مواجه هستند و از سوی دیگر به دلیل آثار سوء یارانه‌ها بر روند تولید و تاکید دولت بر اصلاح نظام قیمت‌ها در طرح پیشنهادی اصلاح ساختار اقتصادی، حذف یارانه‌ها اجتناب ناپذیر خواهد شد. در این میان اگر بتوان گروه‌های فقیر را شناسایی نمود و سپس میزان تاثیر کاهش یارانه‌ها بر این گروه‌ها را محاسبه نمود، آنگاه می‌توان با برقراری یک سیستم حمایتی و جبرانی کارا به این گروه‌ها، آثار سوء حذف یارانه بر رفاه گروه‌های کم‌درآمد را تا حد ممکن خنثی نمود.

۱- خلیل حیدری و دیگران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵

اکثر مطالعاتی که تا کنون در این زمینه انجام گرفته‌اند، میزان تاثیر کاهش یارانه را بر دهک‌های درآمدی (هزینه ای) بررسی نموده‌اند. یعنی درآمد (هزینه) خانوار را ملاک طبقه‌بندی خانوارها قرار داده‌اند و سپس اثرات کاهش یارانه را بر هریک از دهک‌های درآمدی بررسی نموده‌اند. اما استفاده از این طبقه‌بندی با توجه به ساختار فقر در ایران در زمینه شناسایی گروه‌های فقیر سودمند نیست و طبقه‌بندی خانوارها بر مبنای دهک‌های درآمدی هیچ گونه اطلاعاتی در زمینه ویژگی‌های افراد موجود در دهک‌ها به ما ارائه نمی‌دهد، در نتیجه افراد موجود در یک دهک درآمدی معین، دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند. به عنوان مثال همان‌طور که در جدول توزیع درصد خانوارهای نمونه بر حسب شغل سرپرست خانوار و گروه‌های هزینه ماهانه در نشریه بودجه خانوار مشاهده می‌شود، افراد موجود در یک دهک درآمدی در گروه‌های شغلی متفاوتی قرار دارند.

با توجه به لزوم شناسایی گروه‌های هدف برای بهبود در روش پرداخت یارانه و نیز محدودیتی که در زمینه شناسایی گروه‌های هدف وجود دارد، در این تحقیق سعی بر آن است که طبقه‌بندی خانوارها بر مبنای گروه‌های شغلی انجام گیرد تا شاید گروه‌های شغلی بتواند ملاک سنجش مناسبی برای شناسایی افراد فقیر باشد. برای این منظور تفکیک خانوارها بر مبنای گروه‌های شغلی در چارچوب ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰، مبنای بررسی تأثیر کاهش یارانه بر شاخص هزینه زندگی در این گروه‌های شغلی قرار می‌گیرد.

برای سنجش عملی آثار یارانه‌ها بر متغیرهای اقتصادی-اجتماعی روش‌های متفاوتی وجود دارد که عبارتند از: مدل‌های اقتصاد سنجی، الگوی داده-ستانده، ماتریس حسابداری اجتماعی و مدل‌های CGE که بنا بر هدف تحلیل هریک مزیت خاصی دارند.

در الگوهای اقتصاد سنجی می‌توان روابط کوتاه مدت و بلند مدت را با توجه به انواع متغیرهای مربوطه برازش نمود. اما یکی از محدودیت‌های عمده این روش، کمبود داده‌ها می‌باشد. این امر زمانی که تعداد پارامترها زیاد است به معضل حادی تبدیل می‌شود. از طرفی با توجه به اینکه در دنیای واقعی کلیه فعالیت‌های اقتصادی با یکدیگر در تعامل بوده و با نهادها (شامل خانوارها، دولت و شرکت‌ها) از طریق خرید و فروش نهاده‌ها و کالاها و خدمات در ارتباط می‌باشند، برای بررسی دقیق‌تر و کامل‌تر فرضیه‌ها و تئوری‌های مورد نظر باید تعاملات کلیه فعالیت‌ها و نهادها با یکدیگر، که شامل بازار

کالا و خدمات، بازار عوامل تولید و دنیای خارج است لحاظ شوند. از این رو برآورد با استفاده از این روش‌ها برای تحلیل‌های جزئی چه در بلند مدت و چه در کوتاه مدت مشکلی را به دنبال ندارد، ولی با توجه به ضرورت لحاظ نمودن تعاملات کلیه فعالیت‌ها و نهادها برای تحلیل‌های کلی و امور سیاستگذاری، برای طراحی برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و استراتژیک، استناد و استفاده از این مدل‌ها خالی از اشکال نیست. مدل‌های اقتصاد سنجی برای تحلیل مسائلی از قبیل توزیع درآمد، نیازمند الگوهای گسترده و پیچیده است که غالباً با محدودیت اطلاعات مواجه هستند.

الگوی داده-ستانده در زمینه انواع تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی از قبیل ارتباط بین تقاضای نهایی و میزان ستانده رشته فعالیت‌ها، ساختار تقاضا، اشتغال، قیمت‌ها و ... ابزاری بسیار قوی به شمار می‌رود، اما به دلیل عدم انعطاف‌پذیری لازم برای پوشش دادن نقش و اهمیت نهادها، به ویژه تفکیک تفصیلی گروه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها، فقط قابلیت سنجش شاخص قیمت بخش‌های اقتصادی را دارد و بدین ترتیب سنجش همزمان شاخص قیمت بخش‌ها و شاخص هزینه زندگی گروه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها خارج از حیطه الگوهای جدول داده-ستانده قرار می‌گیرد.

این نارسایی در ماتریس حسابداری اجتماعی برطرف می‌شود. در ماتریس حسابداری اجتماعی پیوند منطقی بین ابعاد اقتصادی (رشد) و ابعاد اجتماعی (عدالت اجتماعی) برقرار می‌شود. در ماتریس حسابداری اجتماعی مصرف و درآمد خانوارها بستر اصلی تحلیل‌های جمعیتی، اشتغال، مصرف، توزیع درآمد و سایر مسایل اجتماعی را فراهم می‌کند. ماتریس حسابداری اجتماعی در ارزیابی‌هایی که نیاز به حسابداری جامعی از جریان درآمدی اقتصاد باشد، مفید است. در عین حال دچار این محدودیت می‌باشد که سمت عرضه اقتصاد را نامحدود در نظر می‌گیرد در نتیجه قیمت در این مدل به صورت برون‌زا تعیین می‌شود.

"به منظور رفع محدودیت ماتریس حسابداری اجتماعی و تعیین قیمت در درون الگو و به صورت درون‌زا، الگوهای تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE) کاربردهای گسترده‌ای یافته‌اند. کاربرد این مدل‌ها برای تحلیل آثار اقتصادی-اجتماعی

متغیرها معمولاً بر پایه جدول داده-ستانده و یا ماتریس حسابداری اجتماعی قرار دارد. علی‌رغم کاربردهای گسترده، این مدل‌ها دربردارنده فروض محدود کننده گسترده‌ای هستند که در نتایج حاصل تأثیر گذار خواهند بود.^۱

با در نظر گرفتن اهداف این رساله و با توجه به محدودیت‌های روش‌های مختلف، ماتریس حسابداری اجتماعی روش مناسبی برای تحلیل است. زیرا تغییرات قیمت کالاهای اساسی بعد از حذف یارانه بر شاخص هزینه زندگی گروه‌های اقتصادی اجتماعی خانوارها را به طور همه جانبه منعکس می‌کند.

بکارگیری مناسبترین معیار برای طبقه‌بندی خانوارها و بررسی ابعاد اقتصادی و اجتماعی آن، نقش اساسی را در ماتریس حسابداری اجتماعی ایفا می‌کند. در این مورد ادبیات موجود و تجربه کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که برای طبقه‌بندی خانوارها در ماتریس حسابداری اجتماعی سه معیار کلی زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد، یکم معیار جغرافیایی یا منطقه‌ای، دوم معیار عوامل اجتماعی و سوم معیار اقتصادی. معیار اقتصادی شامل دو زیر معیار دارایی و درآمد می‌باشد. معیار دارایی اساساً در طبقه‌بندی تفصیلی خانوارهای روستایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در خصوص طبقه‌بندی خانوارهای شهری به دلیل عدم وجود آمار و اطلاعات مورد نیاز در زمینه دارایی خانوار، معیار درآمد (هزینه) مورد استفاده قرار می‌گیرد. معیار درآمد بایستی یا بر حسب سرپرست خانوار باشد یا بر حسب شغل و حرفه و یا بر حسب دهک درآمدی (هزینه‌ای). اما طبقه‌بندی خانوارها بر مبنای دهک درآمدی (هزینه‌ای) تجویز نمی‌شود. زیرا همان طور که قبلاً نیز اشاره نمودیم، بکارگیری معیار مذکور مشکلاتی را در زمینه تعیین و شناسایی گروه‌های هدف به منظور سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آورد. با توجه به این معیارها مشاهده می‌شود که در تدوین ماتریس حسابداری اجتماعی در ایران فقط از دو معیار جغرافیایی (شهری و روستایی) و زیر معیار اقتصادی یعنی سطح درآمد (دهک درآمدی یا هزینه‌ای) استفاده شده است. بنابراین با توجه به محدودیتی که در زمینه شناسایی دهک‌های درآمدی (هزینه‌ای) وجود دارد، در این تحقیق تلاش می‌شود تا طبقه‌بندی گروه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها بر حسب گروه‌های شغلی در ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ محاسبه و سپس آثار و تبعات کاهش یارانه کالاهای اساسی بر شاخص هزینه زندگی گروه‌های شغلی خانوارها مورد بررسی قرار گیرد.

۱- سهیلا پروین و همکاران، ۱۳۸۸

۲-۱- سنوآل‌های تحقیق:

۱- پس از کاهش یارانه کالاهای اساسی، تغییرات توزیعی در میان گروه‌های شغلی چقدر خواهد بود؟

۲- آیا طبقه‌بندی خانوارها بر مبنای گروه‌های شغلی می‌تواند ملاک مناسبی برای شناسایی افراد فقیر باشد؟

۳-۱- فرضیه تحقیق:

طبقه‌بندی خانوارها بر مبنای گروه‌های شغلی در مقایسه با طبقه‌بندی بر مبنای دهک درآمدی ملاک مناسبتری برای شناسایی افراد فقیر است.

۴-۱- اهداف تحقیق:

در این تحقیق در ماتریس حسابداری اجتماعی، خانوارها بر مبنای شغل سرپرست خانوار طبقه‌بندی خواهند شد. سپس اثرات حذف یارانه کالاهای اساسی بر شاخص هزینه گروه‌های مذکور بررسی خواهد شد. برای این منظور خانوارها ابتدا به دو گروه شهری و روستایی تقسیم می‌شوند و سپس با استفاده از اطلاعات درآمد هزینه خانوارها، هر یک از گروه‌های شهری و روستایی خانوارها براساس گروه‌های شغلی به ۱۱ دسته تقسیم می‌شوند و در کل ۲۲ گروه خانوار به شکل مجزا در ساختار ماتریس حسابداری اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. در این خصوص ماتریس حسابداری اجتماعی موجود که ۱۴۷ کالایی است به یک جدول مناسب برای تحلیل تغییرات توزیع درآمدی بین مشاغل مختلف تبدیل می‌گردد.

۵-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق:

اکثر مطالعاتی که تا کنون در این زمینه انجام گرفته‌اند، میزان تاثیر کاهش یارانه را بر دهک‌های درآمدی مورد بررسی قرار داده‌اند. یعنی درآمد خانوار را ملاک طبقه‌بندی خانوارها قرار داده‌اند. اما استفاده از دهک‌های درآمدی در زمینه شناسایی گروه‌های فقیر کاربرد عملی ندارد و اطلاعات مفیدی در زمینه شناسایی و کمک رسانی به گروه‌های فقیر به دست نمی‌دهد. با توجه به لزوم شناسایی گروه‌های هدف برای بهبود در روش پرداخت یارانه و نیز محدودیتی که در زمینه شناسایی گروه‌های هدف وجود دارد در این تحقیق تلاش می‌شود تا طبقه‌بندی خانوارها بر مبنای گروه‌های شغلی انجام شود تا مشخص شود که آیا گروه‌های شغلی می‌تواند ملاک سنجش مناسبی برای شناسایی گروه‌های فقیر باشد یا خیر.

۶-۱- پایه های آماری تحقیق:

آمار و اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق با توجه به هدف تحقیق که طبقه‌بندی خانوارها بر مبنای گروه‌های شغلی به جای استفاده از طبقه‌بندی دهک است، با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی ۱۴۷ کالایی سال ۱۳۸۰^۱ و اطلاعات درآمد هزینه خانوارها مرکز آمار ایران سال ۱۳۸۰ به دست می‌آید.

۷-۱- مفاهیم و اصطلاحات:

یارانه: یارانه پرداخت‌های جاری و بلاعوض واحدهای دولتی به بنگاه‌های اقتصادی است که بر اساس میزان فعالیت‌های تولیدی آن‌ها و یا مقدار یا ارزش کالاها یا خدمات تولید شده، فروخته شده یا وارد شده توسط آن‌ها تعیین می‌شود. یارانه ممکن است بر تولیدات داخلی یا بر کالاهای وارد شده تعلق گیرد. در مورد تولیدات داخلی یارانه ممکن است به منظور تحت تاثیر قرار دادن سطح تولید یا تاثیر گذاشتن بر ارزش تولیدات فروخته شده یا جبران زیان آن‌ها پرداخت شود. یارانه برعکس مالیات بر تولید عمل می‌کند به این ترتیب که تاثیر آن بر مازاد عملیاتی در جهت مخالف تاثیر مالیات است. در این چارچوب یارانه به مصرف کننده نهایی تعلق نمی‌گیرد لذا کمک‌های مستقیم دولت به خانوارها انتقالات جاری بوده و به عنوان مزایای تأمین اجتماعی تلقی می‌شود. همچنین یارانه کمک‌های دولت به بنگاه‌ها برای تأمین مالی تشکیل سرمایه آن‌ها یا جبران خسارت‌های وارد شده به دارایی سرمایه را در بر نمی‌گیرد.^۲

۱- سهیلا پروین و همکاران، ۱۳۸۸

۲- حساب‌های ملی ایران، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶

ماتریس حسابداری اجتماعی: نظام‌مند کردن آمارهای اجتماعی با آمارهای نظام‌مند شده کلان اقتصادی (حساب‌های ملی) و بخشی اقتصادی (جدول داده-ستانده) بر اساس پشتوانه نظری اقتصاد خرد و کلان در قالب یک ماتریس جبری را نظام حسابداری میانه یا ماتریس حسابداری اجتماعی می‌نامند.^۱

رویکرد هزینه‌ای (قیمت): در رویکرد هزینه‌ای (قیمت) آثار مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی و اجتماعی، تغییرات ارزش یک واحد یا افزایش اقلام برونزایی (اقلام نشتی‌ها) مانند مالیات‌ها، یارانه‌ها و واردات بر افزایش شاخص قیمت بخش‌های تولید، شاخص دستمزد نیروی کار و شاخص هزینه زندگی خانوارها مورد بررسی قرار می‌گیرند.^۲

۸-۱- روش شناسی تحقیق:

"ماتریس حسابداری اجتماعی ماتریسی مربعی است و مجموعه‌ای از حساب‌ها را نشان می‌دهد که جریان‌های درآمد و هزینه را بین فعالیت‌های تولید، عوامل تولید و نهاده‌ها توصیف می‌نماید. این ماتریس جریان‌های پولی را از طریق ستون‌ها (پرداختی) و ردیف‌ها (دریافتی) انجام می‌دهد، به طوری که باید هزینه‌ها و درآمدها برابر باشند. در ماتریس حسابداری اجتماعی دو مجموعه حساب‌های درونزا و برونزا وجود دارد. حساب‌های درونزا به فعالیت‌های تولید، عوامل تولید و نهادهای اقتصادی و اجتماعی تفکیک شده و حساب‌های برونزا شامل دولت، حساب تشکیل سرمایه و حساب دنیای خارج می‌باشد.

ماتریس حسابداری اجتماعی را می‌توان به منظور سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی در دو رویکرد درآمدی و هزینه‌ای (قیمت) مورد استفاده قرار داد. رویکرد درآمدی، آثار و تبعات مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی و اجتماعی تغییرات ارزش یک واحد اقلام برونزایی (اقلام تزریقی) مانند سرمایه‌گذاری، صادرات، درآمد عوامل تولیدی و درآمد نهادهای دنیای خارج را بر توزیع درآمد عوامل تولیدی، نهادهای اشتغال و تولید بخش‌های مختلف اقتصادی از طریق ضرایب تکاثری ماتریس حسابداری اجتماعی و شکل تجزیه شده آن مورد محاسبه و بررسی قرار می‌دهد. حال آنکه در رویکرد هزینه‌ای (قیمت)، آثار مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی و اجتماعی، تغییرات ارزش یک واحد یا افزایش اقلام برونزایی (اقلام نشتی‌ها)

۱- علی اصغر بانویی و علی عرب مازار یزدی، ۱۳۸۳

۲- علی اصغر بانویی و همکاران ۱۳۸۰

مانند مالیات‌ها، یارانه‌ها و واردات بر افزایش شاخص قیمت بخش‌های تولید، شاخص دستمزد نیروی کار و شاخص هزینه زندگی خانوارها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

با توجه به هدف این تحقیق که ملاحظه آثار کاهش یارانه کالاهای اساسی بر شاخص هزینه زندگی گروه‌های شغلی می‌باشد، رویکرد هزینه‌ای (قیمت) در ماتریس حسابداری اجتماعی روش مناسبی است. زیرا از یک طرف تغییرات قیمت کالاهای اساسی و از طرف دیگر شاخص هزینه زندگی گروه‌های اقتصادی اجتماعی خانوارها را منعکس می‌کند.^۱

فصل دوم:

مسابی نظری

با توجه به کلیات ارائه شده در فصل قبل، در این فصل به بیان مبانی نظری موضوع تحقیق پرداخته می‌شود. بخش اول این فصل به بیان مباحثی در باب نابرابری و توزیع درآمد اختصاص یافته است. در بخش دوم یارانه به عنوان ابزاری برای تعدیل نابرابری و توزیع درآمد معرفی شده و سپس مباحثی پیرامون آن ارائه می‌شود. در این راستا پس از ارائه تعریفی از یارانه و اهداف و ضرورت‌های پرداخت آن، مروری بر تاریخچه پدید آمدن یارانه در جهان خواهیم داشت. همچنین به نحوه طبقه‌بندی یارانه‌ها و انواع آن اشاره‌ای خواهیم داشت. سپس در باب یارانه کالاهای اساسی و ضرورت تأمین نیازهای حداقل معیشت گروه‌های کم‌درآمد جامعه توضیحاتی ارائه خواهد شد، تاریخچه پرداخت یارانه و روند پرداخت یارانه کالاهای اساسی در ایران در بخش‌های بعد مورد بررسی قرار گرفته‌اند، همچنین در بخش‌های دیگری از این فصل به بیان دلایل مخالفان و مدافعان حذف یا کاهش یارانه‌ها، ضرورت ادامه پرداخت یارانه‌ها، ضرورت سیاست‌های جبرانی، هدفمندی یارانه‌ها و روش‌های پرداخت یارانه پرداخته شده است.

۲-۲- مبانی نظری توزیع درآمد

"تردیدی نیست که توزیع درآمد از دیرباز جزء مهمترین بحث‌های اقتصاددانان جهان بوده است. اینکه چگونه با کمترین نهاد، محصول موردنیاز مصرف‌کننده تولید شود بخشی از علم اقتصاد است و اینکه درآمد حاصل از آن چگونه توزیع و مصرف شود بخش دیگر است."^۱

"از نظر اسمیت توزیع متعادل درآمد ملی در جامعه، هم به نفع کارگران و هم به نفع سرمایه‌داران خواهد بود. زیرا در این وضعیت میزان دستمزد واقعی به مرور از سطح حداقل معیشت فاصله می‌گیرد و سیر صعودی می‌یابد. در نتیجه بر اثر افزایش تولید، رشد اقتصادی حاصل می‌شود و با پیشرفت فنی و افزایش میزان سرمایه‌گذاری، جریان توسعه تحقق یافته و

۱- احمد اخوی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ۱۳۸۷